



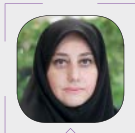
## افسانه‌ای گرجستانی در «افسون افسانه»

اگر علاقه‌مند به شنیدن افسانه‌ای گرجستانی هستید، کافی است موج رادیوی خود را امشب ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه روی رادیو نمایش تنظیم کنید تا افسانه گرجستانی «آسیاب سحرآمیز» را در برنامه رادیویی «افسون افسانه» بشنوید. افسانه آسیاب سحرآمیز افسانه‌ای گرجستانی برگرفته از کتاب قصه‌ها و باورها

به گردآوری و پژوهش دکتر احمد بیانی است که توسط زینت صالح پور تنظیم رادیویی شده است. در خلاصه داستان این افسانه آمده است: سال‌های دور، دختری به نام سوفیا که پدر و مادرش را از دست داده بود در خانه ارباب زندگی می‌کرد. ارباب و زنش که خیلی خودخواه و طمعکار بودند برای راحتی خودشان

## ۴ سال پس از فوت فرج... سلحشور با ۲ نفر از همکاران او درباره خاطراتشان صحبت کرده‌ایم

# حاجی قلبش از طلا بود



فاطمه عودباشی  
رسانه

برگه‌های تقویم نشان می‌دهد که چهار سال از فوت فرج... سلحشور گذشته است. گرچه چهار تا ۳۶۵ روز گذشته، اما همچنان سریال‌های این کارگردان با عناوین یوسف پیامبر و مردان آنجلس در ذهن مردم باقی مانده و بازپخش‌های چندباره آثارش بازتاب‌های جهانی هم به دنبال داشته است. البته همیشه این طور نبوده که از ساخته‌های او تعریف کنند؛ زیرا مخالفانی هم در کشورهای دیگر بودند که نسبت به او کارد داشتند و معتقد بودند که او با ساخته‌هایش، مذهب شیعه را ترویج می‌دهد. اما هیچ‌کدام از این مسائل باعث نشد تا او خم به ابرو آورد و فعالیتش را متوقف کند، حتی زمانی که در بستر بیماری بود با علاقه فراوان فیلمنامه سریال موسی (ع) را می‌نوشت و با قلمی که در دست داشت به جنگ هیولای سرطان رفت، چرا که معتقد بود کار هنرمند هرگز نباید متوقف شود. همین عشق و علاقه او به کارش باعث شد که بعد از فوتش همچنان ساخت سریال موسی (ع) جزو اولویت‌های رسانه ملی قرار بگیرد و بعد از او کارهایش را جمال شوره به دست گرفت، شوره‌ای که یار غار زنده یاد سلحشور بود و این روزها دوران نقاهت بیماری را سپری می‌کند. امروز به بهانه چهارمین سال رفتن و زندگی جدید سلحشور گزارشی تهیه کرده‌ایم که می‌خوانید.

## مردان آنجلس هدیه به «ژان پل»

شاید برایتان جالب باشد بدانید یکی از سریال‌های کشورمان از سوی رئیس جمهور به یک مقام مذهبی اهدا شده است. در حالی که چنین هدیه‌ای معمولاً در دنیا خیلی مرسوم نیست. این اتفاق برای سریال اصحاب کهف (مردان آنجلس) افتاده بود که بعد از پخش، بازتاب‌های زیادی در کشور داشت و نه تنها مورد اقبال مردم، بلکه مقامات سیاسی هم قرار گرفته بود. در سفر سید محمد خاتمی (رئیس جمهور وقت) به واتیکان در اسفند ۱۳۷۷، او دیداری با پاپ ژان پل دوم داشت و در آن دیدار پاپ و محمد خاتمی هدایایی به یکدیگر دادند. پاپ ژان پل دوم قابی با نقوش حکاکی شده به خاتمی اهدا کرد و خاتمی نیز یک جلد «دیوان حافظ» یک «الیچه نفیس ایرانی قاب شده با نقش میدان سن مارکو واقع در شهر ونیز ایتالیا» و مجموعه کامل سریال «مردان آنجلس» (داستان اصحاب کهف) در شش نوار ویدئویی (VHS) را به عنوان هدیه، اهدا کرد. همین هدیه هم واکنش‌های زیادی به دنبال داشت و شبکه‌های خبری هر کدام از نگاه خودشان این هدیه را مورد بررسی قرار دادند.



## ناهار آشتی‌کنان حاج حسین و حاج فرج!

احمد میرعلایی، تهیه‌کننده سریال موسی (ع)؛ من خاطره مشترکی از فرج... سلحشور و حسین زندیاف دارم که هر دو جزو بزرگان هستند و با کسب اجازه از این دو مرد اخلاق و حرفه‌ای آن را تعریف می‌کنم. برای تدوین سریال یوسف پیامبر از حسین زندیاف دعوت شده بود. البته کسانی که سلحشور را نمی‌شناختند، معمولاً در برخورد اول احساس می‌کردند که رفتار او بسیار خشک هست. خلاصه نشستگی و زندیاف و سلحشور داشت نه تنها به سرانجام نرسید، بلکه هر دو اختلاف نظر شدید با هم پیدا کردند و به شدت از هم دلخور شدند و با ناراحتی جلسه را ترک کردند. در آن زمان شوره و حسن نجاریان با من صحبت کردند که این دو را آشتی بدهم، چون معتقد بودند حضور این دو نفر منجر به تقویت کار می‌شود. البته قبل از من هر دو این عزیزان با سلحشور و زندیاف صحبت کرده بودند، اما به ضرس قاطع هر دو گفته بودند که به هیچ وجه نمی‌خواهند با هم روبه‌رو شوند. تا این که یک روز در جلسه‌ای که مربوط به کار دیگری بود، من به سراغ حسین زندیاف رفتم و گفتم: حاج حسین بعد از این جلسه با هم باید جایی برویم. (من زندیاف را خیلی دوست دارم و همیشه هم او را حاج حسین صدا می‌کنم) هر چه او اصرار کرد، نگفتم و فقط تأکید کردم که دو ساعت به من وقت بده، چون می‌خواهم تو را به جایی ببرم برای کار خیر. او هم بعد از جلسه سوار ماشینم شد. مرتب در ماشین سؤال می‌پرسید که کجا می‌رویم، من هم از او زمان خواستم. وقتی از عوارضی رد شدیم، متوجه شد که می‌خواهیم سر صحنه سریال یوسف پیامبر واقع در شهرک سینمایی دفاع مقدس برویم. همان لحظه خطاب به من گفتم که اگر او را سر صحنه این سریال ببرم، برای همیشه با من قطع رابطه می‌کند. اما من او را دعوت به آرامش کردم و گفتم که می‌خواهیم با شوره و نجاریان ناهار بخوریم. ولی حاج حسین رضایت نمی‌داد و با اخم به من نگاه می‌کرد که ماشین را نگه دارم تا او پیاده شود. خلاصه رفتم شهرک و وقتی هم سلحشور ما را دید، او هم بسیار ناراحت شد که چرا زندیاف را سر صحنه آوردیم. بالاخره با کالی مکافات سر بساط ناهار نشستیم و یواش یواش آنها با هم شروع به صحبت کردند و ما هم بعد هر دو را تنها گذاشتیم. نکته جالب این بود که هر دو بعدها با هم خیلی رفیق صمیمی شدند، حتی نزدیک‌تر از من به هم شدند. حتی به یاد دارم در جلسه‌ای وقتی عده‌ای به زندیاف گفته بود که چطور با سلحشور کار می‌کند که رفتارش خشک هست، او خطاب به بقیه گفته بود که من در همه عمر هر چقدر هم از احمد میرعلایی تشکر کنم، کم است، چون او من را با سلحشور آشنا کرد که واقعا مرد بزرگی هست و سریال جذابی ساخته هست. او ادامه داده بود که هنگام تدوین یوسف پیامبر، برای تک تک صحنه‌های این سریال گریه کرده است. وقتی سلحشور فوت شد، زندیاف خیلی گریه کرد و نمی‌توانست باور کند که او فوت شده است. واقعا هر دو خیلی با هم اخت شده بودند و برای هم احترام زیادی قائل بودند.



## از کندن چاه برای درآوردن گردنبند کاری ماما تا جایزه روزه داران

مهوش صبرکن، بازیگر نقش کاری ماما در سریال یوسف پیامبر: من و همسرم خاطرات بسیار زیادی از مرحوم سلحشور داریم. در سریال یوسف پیامبر من نقش کاری ماما را بازی می‌کردم. معمولاً زیورآلاتی که ما برای این سریال استفاده می‌کردیم، دست‌ساز بود. گردنبندی هم برای کاری ماما ساخته شده بود که مستثنی از این قانون نبود و ساخت دست بود. یک روز با همان گردنبند به سرویس بهداشتی رفته بودم و ناگهان این گردنبند از گردنم باز شد و در چاه افتاد. از آنجا که گردنبند دست‌ساز بود و صحنه‌های زیادی ضبط شده بود که گردنبند در گردن کاری‌ماما بود، سلحشور اعلام کرده بود که برای حفظ راکوردها آن را از چاه دستشویی خارج کنند و کارگران به ناچار مجبور شدند چاه سرویس بهداشتی را بکنند تا بتوانند گردنبند را خارج کنند. از دیگر خاطراتی که یاد می‌آید این بود که یک شب و من خانم کتایون ریاحی شب‌کار بودیم و لباس‌هایی که پوشیده بودیم گرم نبود و شهرک سینمایی دفاع مقدس در قم هم شب‌ها بسیار سرد بود. از آنجا که مرتب می‌لرزیدیم، به همین دلیل شادروان سلحشور از عوامل پشت صحنه خواسته بود که در استانبولی آتشی به پا کنند و آن را زیر پایمان بگذارند که از سرما هنگام ضبط سریال نلرزیم که ناخودآگاه لباس من به استانبولی گیر کرد و لباسم گر گرفت که سریع با حضور عوامل آتش را خاموش کردند. خاطرات من از این سریال کم نیست. نکته قابل توجه این بود که سلحشور، تنها کارگردان و تهیه‌کننده‌ای بود که در طول تاریخ بازیگری خودم و همسرم دیده بودم که سر وقت حسابدارهایش سر صحنه می‌آمدند و دستمزدها را پرداخت می‌کردند. ضمن این‌که هر کس گرفتاری پیدا می‌کرد از جیب خودش به کسانی که نیازمند بودند در قالب وام به آنها کمک می‌کرد. همه گروه از زنده یاد عظیم چوانروح مدیر فیلمبرداری کار گرفته تا آبدارچی همه از دستمزدهایشان رضایت داشتند. یکی از نکات جالبی که در خاطرم هست این که او در پایان ماه مبارک رمضان برای کسانی که این ماه را روزه گرفته بودند هدایایی ترتیب می‌داد و به این ترتیب آنها را تشویق می‌کرد. او هیچ‌گاه کسی را برای نماز یا روزه مجبور نکرد اما به سبک خودش افراد را تشویق می‌کرد. در مجموع محبت، انسانیت و برخورد‌های خوب او با بازیگران هرگز از خاطر من و شوهرم نمی‌رود. همیشه به همه احترام می‌گذاشت، برایش فرقی نمی‌کرد بازیگر است یا سپاهی لشکر و ما هیچ وقت اخم او را ندیده بودیم. از همه مهمتر این بود که ما ۳۰ تا ۴۰ سپاهی لشکر برای این سریال داشتیم و سلحشور اعلام کرده بود که اول غذای سپاهی لشکرها داده شود و بعد بازیگران. همچنین غذاهای هر دو گروه تفاوتی نداشت و یکسان بود. این در حالی است که معمولاً در پروژه‌هایی این چنینی غذای بازیگران و سپاهی لشکرها فرق می‌کند، حتی در ابتدا میان وعده به سپاهی لشکرها داده می‌شد و بعد به ما همین رفتارهای متصفانه سلحشور همه را به وجد آورده بود.



## سرانجام سریال موسی پیامبر (ع)

۹ آبان ماه سال ۱۳۹۴ مدیرکل وقت امور نمایش سیما درباره ساخت سریال‌های فاخر اعلام کرد که چند سریال الف و یژه در دستور کار قرار گرفته و جزو اولویت‌های رسانه ملی تعریف شده است. سریال موسی (ع) یکی از این آثار فاخر است که فرج... سلحشور که ساخت مجموعه‌های تاریخی همچون یوسف پیامبر، اصحاب کهف و ایوب پیامبر را در کارنامه دارد آن را برای تلویزیون می‌سازد. سلحشور همراه با گروهش مشغول تحقیق و نگارش این سریال شد، اما عمر او به دنیا نبود و اواخر اسفند همان سال در اثر بیماری جامعه هنری را عزادار کرد. بعد از درگذشت این هنرمند، جمال شوره پیگیر ساخت این سریال شد. تا این‌که شوره بر اثر عارضه مغزی چند وقتی در بیمارستان بود و در حال حاضر دوران نقاهت را سپری می‌کند. خبرها حاکی از آن هست که در حال حاضر تیم تولید سریال موسی (ع) آماده است تا رسانه ملی اعلام کند و پیش تولید را آغاز کند. البته گروه سازنده قبل از پیش تولید، مراحل برنامه نویسی این سریال را انجام داده‌اند تا بودجه در همه قسمت‌های این سریال به درستی هزینه شود، زیرا آرزوی سلحشور ساختن سریال موسی (ع) بود و جمال شوره کارگردان و احمد میرعلایی تهیه‌کننده علاقه‌مند هستند تا این سریال را به بهترین شکل بسازند تا مورد اقبال عمومی قرار بگیرد.

## از مخالفت مصر تا فروشگاه فرودگاه‌های بین‌المللی

سال ۱۳۹۴ پخش این مجموعه تلویزیونی در مصر به عنوان نخستین سریال ایرانی پخش شده از کانال رسمی این کشور مخالفت‌هایی را از سوی سلفی‌ها که این عمل را تلاشی برای انتقال فرهنگ شیعی قلمداد می‌کردند، در پی داشت. البته همیشه این طور نبوده که اهل سنت نسبت به ساخته‌های زنده‌یاد سلحشور موضع داشته باشند. زیرا یوسف پیامبر و اصحاب کهف در کشورهای عربی همچون عراق با بازخورد زیاد مردم روبه‌رو شده بود، حتی در فرودگاه‌های بین‌المللی دیگر کشورهای عربی همچون امارات دی‌وی‌دی این دو سریال در فروشگاه‌هایشان برای فروش عرضه می‌شد.

## توبه نصوح

مسلمانا اگر از قدیمی‌ها بپرسیم، حتما به یاد می‌آورند لطفعلی‌خانی که بر اثر سکت می‌میرد، ولی در هنگام دفن زنده می‌شود و از جابر می‌خیزد و در اثر این اتفاق به این فکر می‌افتد که از افرادی که می‌شناسد حلالیت بگیرد. غافل از این‌که مسیر سختی پیش رو دارد... و لطفعلی‌خان کسی نبود جز زنده‌یاد سلحشور در فیلم توبه نسوح. شادروان سلحشور فعالیت هنری اش را با بازی در فیلم توبه نصوح آغاز کرد. او بعد از این اثر در فیلم سینمایی گورکن هم بازی کرد و هم چهره‌پرداز بود. وی سال ۶۵ در فیلم پرواز در شب زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور هم بازی کرد. سال ۶۷ هم تهیه‌فیلمی با نام انسان و اسلحه را به کارگردانی مجتبی راعی به عهده داشت که یکی از نقش‌های این فیلم را هم ایفا کرد. زنده‌یاد سلحشور سال ۷۲ پا به عرصه کارگردانی و نویسندگی گذاشت و بازیگر، کارگردان و فیلمنامه‌نویس فیلم مجموعه ایوب پیامبر بود. او سال ۷۶ هم در فیلم دنیای وارونه شهریار بحرانی بازی کرد و همان سال مجموعه اصحاب کهف (مردان آنجلس) را کارگردانی کرده که با استقبال مردمی روبه‌رو شد. او در دهه ۸۰ سریال یوسف پیامبر را ساخت که در کنار کارگردانی، نویسندگی، تهیه‌کنندگی و ایفای یکی از نقش‌های سریال را به عهده داشت. همچنین سال ۹۴ تهیه مجموعه قصه‌های تبیان را به عهده داشت و مشغول نگارش سریال موسی (ع) بود که دارقانی راوداغ گفت.